

## امنیت برای همه

سخنرانی ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه

در ۴۳-مین کنفرانس بین المللی درباره مسایل امنیت

۱۰ فوروری ۲۰۰۷ مونشن (آلمان)

بسیار سپاسگذارم که به چنین یک کنفرانس با وجهه دعوت شدم؛ کنفرانسی که در آن سیاستمداران، نظامیان، متشبثان و کارشناسان بیش از ۴۰ کشور گرد هم آمده اند.

ساختار و فورمات کنفرانس به من موقع میدهد تا از «زیاده روی در رعایت نزاکت» و از ضرورت سخن گفتن در ورای عبارات و کلیشه های متعارف، خوشایند اما توخالی دیپلماتیک صرف نظر کنم. ساختار کنفرانس همچنان به من اجازه میدهد تا آنچه را که واقعاً درباره امنیت بین المللی فکر میکنم، بازگو نمایم. و اگر حرفهایم برای برخی از شرکت کننده گان این همایش بیش از حد معمول مشاجره برانگیز، تند و یا غیردقیق به نظر برسند، در آن صورت تقاضایم این است که بر سرم قهر نشوند - آخر این تنها یک کنفرانس است. و امیدوارم که پس از دو-سه دقیقه آغازین سخنرانی ام، آقای **تیلچیک** چراغ سرخ را روشن نکند (تبصره مترجم: آقای **تیلچیک** میزبان و گرداننده کنفرانس بود).

خوب. به همه گان آشکار است که موضوعات امنیت بین المللی به مراتب گسترده تر از مسایل مربوط به ثبات نظامی-سیاسی بوده و دربرگیرنده ثبات اقتصاد جهانی، از میان برداشتن فقر، مصوونیت اقتصادی و ایجاد دیالوگ میان فرهنگها و مدنیتهای نیز میباشد.

خصلت همه گانی و تقسیم ناپذیر امنیت در این اصل بنیادی افاده میشود: «امنیت برای هریک، امنیت برای همه است» یا طوریکه **فرانکلین د. روزولت** در نخستین روزهای آغاز جنگ دوم جهانی گفته بود که «زمانی که صلح در کدام جایی برهم بخورد، صلح همه کشورها، در همه جا در معرض خطر و تهدید قرار میگیرد».

این سخنان امروز نیز مبرمیت دارند و همین عنوان کنفرانس ما - بحرانهای جهانی، مسوولیت جهانی - نیز ثبوتی بر این مدعا است.

دو دهه پیش، جهان از دیدگاه ایدئولوژیک و اقتصادی از هم جدا و تجزیه شده بود و امنیت آن را ظرفیتهای بزرگ استراتژیکِ دو ابر قدرت تأمین میکرد.

رویارویی جهانی در آن وضع، حادثترین مسایل اقتصادی و اجتماعی را به حاشیه و دور از اجندای مناسبات بین المللی رانده بود. و «جنگ سرد»، درست مانند هر جنگ دیگر، «مهمات جنگی منفجر نشده» را به جا گذاشت. منظورم از «مهمات جنگی منفجر نشده»، عبارت از کلیشه های ایدئولوژیک، استندرد های دوگانه (سیاستهای مبتنی بر «یک بام و دو هوا») و دیگر مشخصات تیپیک جنگ سرد و طرز تفکر دوران پیمانهای نظامی است.

### جهان یک قطبی

جهان یک قطبی که پس از جنگ سرد مطرح گردید، شکل نیافت.

معلوم است که تاریخ بشریت، هم مرحله های یک قطبی را دیده و هم آزمندیها برای تفوق جهانی را شاهد بوده است. چه رویدادهایی که در تاریخ جهان رخ نداده است؟

اما جهان یک قطبی چیست؟ هر قدر بکوشند این اصطلاح را زیبا جلوه دهند، باز هم سرانجام به معنی وضعیتی است مبتنی بر یک مرکز قدرت، یک مرکز زور، یک مرکز تصمیمگیری.

این جهانی است که در آن یک آقا، یک حاکم وجود دارد. و اما سرانجام این وضعیت تباه کننده است - نه تنها برای تمامی آنانی که در درون سیستم هستند، بلکه همچنان برای خود حاکم نیز تباه کننده میباشد؛ زیرا او را از درون تخریب میکند.

و آشکار است که این وضعیت هیچ وجه مشترکی با دموکراسی ندارد. زیرا طوریکه میدانید، دموکراسی عبارت است از قدرت اکثریت با در نظر داشت منافع و نظریات اقلیت.

ناگفته نماند که پیوسته میکوشند به روسیه - به ما - درس دموکراسی بدهند. مگر بنا بر دلایلی، آنهایی که به ما درس میدهند، خود شان زیاد علاقمندِ آموختن از دیگران نیستند.

به نظر من برای جهان معاصر، مدل یک قطبی نه تنها قابل پذیرش نیست، بلکه اصلاً غیرممکن میباشد. و این نه تنها به این دلیل که در وضعیت رهبری فردی در جهان امروزی - و به ویژه در جهان امروزی - هم منابع نظامی-سیاسی و هم منابع اقتصادی کفایت نمیکند. مهمتر اینست که این مدل

خودش ناکارا (فاقد کارکرد) است؛ چونکه در زیربنای آن کدام بنیاد اخلاقی برای مدنیت معاصر وجود ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد.

همزمان با این، در جهان امروز چه رخ میدهد - و ما تازه به این بحث پرداخته ایم. آنچه امروز در جهان رخ میدهد، نتیجهء تطبیق این طرح (نظریه) در مسایل بین المللی است - طرح (نظریهء) جهان یک قطبی.

### زورگویی بیش از حد

و با کدام نتایج؟

اقدامات یکجانبه و غالباً غیرمشروع، هیچ مشکلی را حل نکرده اند. مزید بر آن، این اقدامات منجر به تراژیدی های جدید بشری شده و اجاق های جدید تشنج را به وجود آورده اند. خود قضاوت کنید: جنگها و همچنان منازعات محلی و منطقه یی کاهش نیافتند. آقای **تیلچیک** این واقعیت را بسیار با ملایمت تذکر داد. و در این منازعات انسانهای کمتر از بین نمیروند - حتی بیشتر از گذشته میمیرند. به مراتب بیشتر، به مراتب بیشتر!

امروزه، ما شاهد استفادهء لجام گسیخته از زورآوری بیش از حد، - زورآوری نظامی - در مناسبات بین المللی هستیم، زورآوری که جهان را به سوی پرتگاه منازعات پی در پی میراند. نتیجه اینست که توانایی کافی برای حل همه جانبهء هیچکدام از این منازعات وجود ندارد و دریافت راه حل سیاسی نیز غیرممکن میشود.

ما شاهد نادیده گرفتن و پامال کردن هرچه بیشتر اصول بنیادی حقوق بین الدول هستیم. مزید بر آن می بینیم که برخی نورمهای جداگانه و حتی سیستم مکمل حقوقی تنها یک کشور و البته که سیستم حقوقی ایالات متحدهء امریکا در همه عرصه ها (عرصهء اقتصاد، عرصهء سیاست و عرصهء اقدامات بشردوستانه) از مرزهای ملی فراجهییده و بر دولتهای دیگر تحمیل میشوند.

کی این را میپسندد؟

در مناسبات بین المللی به طور فزاینده با این گرایش برمیخوریم که میخواهند این یا آن معضلهء مشخص را طبق به اصطلاح تجربهء سیاسی مبتنی بر فضای جاری سیاسی حل و فصل کنند.

و معلومدار این بسیار خطرناک میباشد و نتیجه آن اینست که حالا دگر هیچکس خود را مصؤون احساس نمیکند. میخواهم این را تأکید کنم - هیچکس خود را مصؤون احساس نمیکند! زیرا هیچکس نمیتواند روی حقوق بین الدول به مثابه یک دیوار سنگی حساب کند که از وی حفاظت خواهد کرد. معلومدار این نوع سیاست، مسابقه تسلیحاتی را برمی انگیزد.

مسلط بودن عامل یا فاکتور زور و قدرت، به طور اجتناب ناپذیر شماری از کشورها را ترغیب میکند تا سلاحهای امحای جمعی را به چنگ آورند. مزید بر آن، تهدیدهایی با خصوصیات کاملاً جدید پدید آمده اند؛ تهدیدهایی که در گذشته نیز وجود داشتند و شناخته شده بودند، طور مثال تروریزم، که امروزه خصلت جهانی کسب کرده است.

یقین دارم که ما به یک مرحله حساس و سرنوشت ساز رسیده ایم که باید به طور جدی درباره ساختار کلی و مجموعی امنیت جهانی بیندیشیم.

و در اینجا ضرور است، در جستجوی یک تعادل و توازن خردمندانه و معقول میان منافع همه شرکت کننده گان در دیالوگ بین المللی باشیم؛ به ویژه در حال حاضر که «وضعیت بین المللی» اینقدر محسوس و بسیار به سرعت - در پرتو انکشافات پوینده شمار زیادی از کشورها و مناطق - دگرگون میشود.

خانم کانسلر (چانسلر) جمهوری آلمان فدرال این موضوع را قبلاً تذکر داده است. مجموع تولید ناخالص ملی (GDP) هندوستان و چین همین حالا بزرگتر از GDP ایالات متحده آمریکا میباشد. و GDP کشورهای BRIC - برزیل، روسیه، هندوستان و چین - بیشتر از GDP مجموعی اتحادیه اروپا است. و طبق ارزیابی کارشناسان، این تفاوت در آینده هنوز بیشتر میشود.

ظرفیت اقتصادی مراکز جدید رشد اقتصادی حتماً به نفوذ اقتصادی مبدل میشود و چند-قطبی بودن جهان را تقویت میکند و دلیلی وجود ندارد که در این مورد شک و تردیدی داشته باشیم.

در این رابطه باید یادآوری شود که نقش دیپلوماسی چندین جانبه به طور قابل ملاحظه افزایش می یابد. باز بودن، شفافیت و قابل پیشبینی بودن در سیاست، بی بدیل هستند و استفاده از زور باید واقعاً یک تدبیر استثنایی باشد، درست مانند حکم اعدام در سیستم حقوقی برخی از کشورها.

اما امروزه برعکس، ما شاهد وضعیتی هستیم که کشورهایی که در آنها حکم اعدام حتی برای قاتلان و دیگر جنایتکاران منع قرار داده شده است، همین کشورها در عملیات نظامی اشتراک میکنند، در

عملیاتی که به مشکل بتوان آنها را مشروع شمرد. و در حقیقت این منازعات انسانها را میکشند - صدها و هزاران نفر از اهالی ملکی را میکشند.

اما در عین زمان این سوال مطرح میشود که آیا ما باید نسبت به منازعات متنوع داخلی در برخی کشورها بی تفاوت باقی بمانیم، نسبت به اقدامات رژیم های خودکامه، نسبت به جابران و نسبت به انتشار سلاح امحای جمعی بی تفاوت باقی بمانیم؟ ناگفته نماند که همین موضوع در مرکز سوالی قرار داشت که آقای لیبرمن از خانم کانسلر جمهوری آلمان فدرال پرسید. اگر من سوال شما را درست فهمیده باشم (خطاب است به آقای لیبرمن). البته این سوال بسیار جدی است؟ آیا ما میتوانیم نسبت به آنچه رخ میدهد، بی تفاوت باقی بمانیم؟ من نیز میکوشم به سوال شما پاسخ بدهم. پاسخ اینست: واضحاً که ما نمی توانیم بی تفاوت باقی بمانیم.

اما آیا ما وسایلی را در اختیار داریم که با این تهدیدها مقابله کنیم؟ واضحاً که داریم. کفایت به رویدادهای ۱۵ سال پیش بنگریم. دیدیم که در کشور ما یک انتقال صلح آمیز به دموکراسی صورت گرفت! ما شاهد استحاله صلح آمیز - بلی استحاله صلح آمیز - رژیم شوروی بودیم! و چی رژیمی بود! چقدر سلاح به شمول سلاح اتمی داشت! و چرا حالا ضرور باشد که با استفاده از هر فرصت مناسب، تیراندازی شود، بمباردمان صورت گیرد؟ نه که واقعاً بدون تهدید امحای جمعی، ما فرهنگ سیاسی نداریم، نه که واقعاً بدون تهدید امحای جمعی، ما به ارزشهای دموکراسی و به قانون احترام نداریم؟

یقین دارم که یگانه میکانیزم برای اتخاذ تصمیم درباره استفاده از قوه نظامی به مثابه آخرین وسیله، تنها منشور ملل متحد میتواند باشد و بس. و در همین رابطه، یا من منظور وزیر دفاع ایتالیا را درست نفهمیدم که همین چندی پیش راجع به این موضوع ابراز نظر کرده بود و یا اینکه سخنان او نادقیق بود. به هر حال من چنین شنیدم: استفاده از قوه تنها در صورتی مشروع شمرده میشود که تصمیم در ناتو یا در اتحادیه اروپا و یا در ملل متحد اتخاذ شده باشد. اگر او واقعاً به این نظر باشد، پس من و او اختلاف نظر داریم. و یا شاید من درست نشنیده باشم. به هر حال، استفاده از قوه تنها در صورتی مشروع میباشد که تصمیم بر بنیاد ملل متحد و در چارچوب ملل متحد اتخاذ شده باشد. و درست نیست که ناتو و یا اتحادیه اروپا جایگزین ملل متحد شود. و زمانی که ملل متحد واقعاً نیروهای جامعه بین المللی را متحد بسازد، طوریکه واقعاً بتواند به رویدادها در برخی کشورها واکنش نشان دهد، یعنی زمانی که ما از نادیده گرفتن حقوق بین الدول رهایی یافته باشیم، آنگاه وضع میتواند تغییر کند. در غیر آن، وضع تنها به بن بست مواجه میشود و شمار اشتباهات بزرگ

افزایش مییابد. و باید کوشش شود که موازین حقوق بین الدول خصلت همه گانی داشته باشند - هم از لحاظ درک نورمها و هم از لحاظ کاربرد نورمها.

و فراموش نباید کرد که شیوهء دموکراتیک اقدام سیاسی ایجاب میکند که بحث و مذاکرات موشگافانه و پرزحمت برای رسیدن به تصمیمگیری صورت گیرد.

### خلع سلاح اتمی (هسته یی)

خطر بالقوهء بی ثبات سازی روابط بین المللی با رکود آشکار در عرصهء خلع سلاح رابطه دارد.

روسیه خواهان از سرگیری مذاکرات در بارهء این مسألهء بسیار مهم میباشد.

مهم است که ثبات موازین بین المللی در مورد تخریب سلاحها حفظ شود و تداوم در روند کاهش سلاح هسته یی تأمین گردد.

یکجا با ایالات متحدهء امریکا، ما موافقه کردیم که ظرفیت راکتهای استراتژیک هسته یی خود را تا ۱۷۰۰-۲۰۰۰ سرگلولهء هسته یی (تا ۳۱ دسمبر سال ۲۰۱۲) کاهش بدهیم. روسیه میخواهد مکلفیت هایی را که متقبل شده است، به طور دقیق در عمل پیاده کند. ما امیدوار هستیم که جانب مقابل ما نیز در یک مسیر شفاف عمل کند و از کنار گذاشتن و حفظ کردن چندین صد سرگلولهء هسته یی اضافی برای به اصطلاح «روز مبادا» صرف نظر کند. و اگر امروز وزیر دفاع جدید امریکا ابلاغ کند که ایالات متحدهء امریکا این سلاحهای اضافی را در گدامها پنهان نخواهد کرد، یا طوریکه میگویند در «زیر بالشت» یا در «زیر لحاف» پنهان نکند، در آن صورت پیشنهاد میکنم که ما همه شرکت کننده گان کنفرانس به پاخیزیم و از این ابلاغیه استقبال کنیم. این یک ابلاغیهء بسیار مهم خواهد بود.

روسیه به طور دقیق پیمان عدم انتشار سلاح هسته یی را رعایت کرده و منبعد نیز به آن پابند خواهد بود و همچنان به معاهدهء تفتیش و کنترل چندجانبهء تکنالوژی راکتی وفادار است و خواهد بود. اصولی که در این اسناد مسجل شده اند، خصلت همه گانی دارند.

در این رابطه میخواهم یادآور شوم که در سالهای ۱۹۸۰ قرن گذشته، اتحاد شوروی و ایالات متحده موافقتنامه یی را دربارهء تخریب رشتهء مکملی از راکتهای برد کوتاه و برد متوسط امضا کردند. اما این موافقتنامه خصلت همه گانی ندارد.

امروزه بسیاری از کشورهای دیگر به شمول جمهوری دموکراتیک خلق کوریا، جمهوری کوریا، هند، ایران، پاکستان و اسرائیل این نوع راکتها را دارند. بسیاری از کشورهای دیگر بالای این سیستمها کار میکنند و پلان دارند تا آنها را شامل زرادخانهء تسلیحاتی خود بسازند. تنها ایالات متحده و روسیه مکلفیت و مسؤولیت دارند که چنین سلاحها را ایجاد نکنند.

واضح است که در چنین شرایط، ما مجبور هستیم دربارهء تضمین امنیت خود بیندیشیم.

از سوی دیگر، اجازه نیست که به ایجاد سلاحهای جدید ثبات شکن اقدام شود. حاجت به گفتن نیست که این رابطه میگیرد به تدابیر در جهت جلوگیری از یک عرصهء جدید رویارویی به ویژه در فضای کیهانی. «جنگ ستاره گان» دیگر فانتزی نیست - یک واقعیت است. در اواسط سالهای ۱۹۸۰ قرن گذشته پارتنرهای امریکایی ما عملیهء تسخیر یا شکار قمر مصنوعی خود را در فضای کیهانی انجام دادند.

به نظر روسیه، نظامی سازی فضای کیهانی میتواند عواقب غیر قابل پیشبینی برای جامعهء بین المللی داشته باشد و مسابقهء تسلیحاتی در فضای کیهانی را به وجود بیاورد. ما بارها پیشنهاداتی را در جهت منع استفاده از سلاح در فضای کیهانی مطرح کرده ایم.

امروز میخواهم به اطلاع تان برسانم که ما طرحی را برای یک موافقتنامه دربارهء جلوگیری از جا به جا کردن سلاح در فضای کیهانی ریخته ایم که در آیندهء نزدیک به مثابهء طرح رسمی به پارتنرهای ما ارسال خواهد شد. بیا بید بالای این طرح مشترکاً کار کنیم.

## رویارویی جدید

پلانها برای گسترش برخی عناصر سیستم دفاع ضدراکتی در اروپا نمیتواند چیز دیگر به بار آورد، غیر از اینکه ما را ناراحت سازد. این اقدام به طور حتمی منجر به مسابقهء تسلیحاتی خواهد شد. کیهان به دور دیگری از مسابقهء تسلیحاتی ضرورت دارند؟ من تردید عمیق دارم که اروپایی ها خودشان نیازی به این داشته باشند.

سلاحهای راکتی با ساحهء برد پنج تا هشت هزار کیلومتر که واقعاً تهدیدی را متوجه اروپا بسازند، در هیچ یک از کشورهای به اصطلاح «مشکل برانگیز» وجود ندارند. و در آیندهء نزدیک - و در آیندهء دورتر - نیز وجود نخواهند داشت. و پرتاب فرضی و خیالی، طور مثال، کدام راکت کوریای شمالی به سمت قلمرو امریکا از راه اروپای غربی واضحاً که در تضاد با قوانین بالستیک قرار خواهد داشت.

طوری که در زبان روسی میگویند، این شبیه به آن خواهد بود که کسی بخواهد «با دست راست خود، گوش چپ خود را لمس کند».

و حالا که در آلمان هستیم، نمیتوانم از وضعیت بحرانی پیمان درباره تسلیحات متعارف در اروپا یادآوری نکنم.

پیمان در مورد سلاحهای متعارف در اروپا در سال ۱۹۹۹ امضا شد. این پیمان، وضعیت نوین جیوپولیتیک یعنی از بین رفتن بلاک نظامی «پیمان وارسا» را مد نظر گرفته بود. از آن زمان تا کنون هفت سال سپری شده و تنها چهار کشور به شمول فدراسیون روسیه این پیمان را به تصویب رسانیده اند.

کشورهای ناتو آشکارا ابلاغ کردند که آنها این پیمان را به شمول مفاد آن درباره محدودیتهای جناحها (درباره تعبیه شمار معین نیروهای مسلح در جناحها) تصویب نخواهند کرد تا زمانیکه روسیه پایگاههای نظامی خود را از گرجستان و مالداوی بیرون نکشیده باشد. عساکر ما گرجستان را ترک میکنند، حتی مطابق به یک جدول زمانی تعجیلی. و طوری که به همه گام معلوم است، ما این موضوع را با همتهای گرجستانی خود حل و فصل کردیم. در مالداوی هنوز هم ۱۵۰۰ نظامی ما مستقر میباشند که عملیات حفظ صلح را انجام میدهند و گداهای مهمات جنگی را که از دوران شوروی باقی مانده است، حفاظت میکنند. ما پیوسته راجع به این موضوع با آقای [سولانا](#) مذاکره میکنیم. او موضعگیری ما را میداند. ما آماده کار بعدی در این جهت هستیم.

اما در عین زمان چه رخ میدهد؟ همزمان با این در بلغاریا و رومانیا پایگاههای امریکایی به نام به اصطلاح پایگاههای سبک یا خفیف خط مقدم جبهه با پنج هزار نظامی در هرکدام از آنها ایجاد می شوند. وضعیت از این قرار است که ناتو نیروهای خط مقدم جبهه خود را در سرحدات ما جا به جا میسازد و اما ما در حالیکه به صورت دقیق مکلفیتهای پیمانی خود را رعایت میکنیم، به این اقدامات هیچگونه عکس العمل نشان نمی دهیم.

به نظر من واضح است که پروسه گسترش ناتو هیچ رابطه یی با عصری سازی خود پیمان یا با تضمین امنیت در اروپا ندارد. برعکس، این یک عامل جدی تحریک کننده است که سطح اعتماد دوجانبه را پایین می آورد. و حق مسلم ما است که بپرسیم: این گسترش ناتو برضد کی صورت می گیرد؟ و تضمین های پارتنرهای ناتوی ما که پس از انحلال پیمان وارسا به ما داده بودند، کجا شدند؟ امروز آن اعلامیه ها کجا شدند؟ هیچکس آنها را به یاد ندارد. اما من به خود اجازه میدهم که به شرکت کننده

گان این کنفرانس خاطرنشان سازم که چه گفته شده بود. می‌خواهم نقل قولی از بیانیه جنرال سکرتر ناتو، آقای **ورنر** (بروکسل، مورخ ۱۷ می سال ۱۹۹۰) بیاورم. در آن زمان او گفت که «این حقیقت که ما حاضریم کدام قوای ناتو را فراتر از قلمرو آلمان مستقر نسازیم، برای اتحاد شوروی تضمین‌های استوار می‌دهد». این تضمین‌ها کجا شدند؟

مدتهاست که سنگها و بلاکهای کنکریتی دیوار برلین به حیث سوغات و یادگار تقسیم شده‌اند. اما نباید فراموش کرد که سرنگونی دیوار برلین از برکت یک انتخاب تاریخی ممکن گردید - انتخابی که توسط مردم ما، مردم روسیه صورت گرفت؛ انتخاب به سود دموکراسی و آزادی، بازبودن و همکاری صادقانه با تمام اعضای خانواده بزرگ اروپا.

اما اکنون میکوشند خطها و دیوارهای جدید جداکننده را بر ما تحمیل کنند - این دیوارها شاید مجازی باشند، مگر با آنها جدا کننده‌اند، دیوارهایی‌اند که از قاره ما عبور میکنند و آن را تقسیم میکنند. نی که به راستی میخواهند یک بار دیگر، اروپا به سالها، دهه‌ها و همچنان به چندین نسل از سیاستمداران ضرورت داشته باشد تا این دیوارهای جدید نیز «منهدم» شوند و «از بین بروند»؟

### موافقتنامه عدم انتشار سلاح اتمی

ما بدون کدام قید و شرط، خواستار تقویه رژیم عدم انتشار سلاح اتمی هستیم. باید خاطرنشان کرد که اصول موجوده حقوق بین الدول اجازه می‌دهد که تکنالوژی‌ها برای تولید مواد سوخت هسته‌یی برای مقاصد صلح آمیز انکشاف داده شوند. و شمار زیاد کشورهای جهان با داشتن مجوز قانونی از دیدگاه حقوق بین الدول، میخواهند انرژی اتمی خودی را به مثابه بنیادی برای استقلال انرژی خود تولید کنند. اما ما همچنان میدانیم که این تکنالوژیها میتوانند به سرعت استحاله پذیرند و از این تکنالوژیها مواد برای سلاح هسته‌یی به دست آیند.

این تشنج جدی بین المللی را ایجاد می‌کند. وضعیت در اطراف برنامه‌های هسته‌یی ایران، نمونه‌ واضحی از این نوع تشنج است. و اگر جامعه بین المللی یک راه حل معقول برای حل این منازعه، منافع نیابد، جهان بازهم مواجه به این نوع بحرانهای ثبات شکن خواهد شد؛ زیرا مزید بر ایران، کشورهای زیاد دیگری نیز به همین مرز رسیده‌اند و ما همه این را میدانیم. ما به طور مداوم مواجه به تهدید انتشار سلاح امحای جمعی خواهیم بود.

سال گذشته روسیه یک طرح ابتکاری برای ایجاد مراکز چندجانبه بین المللی برای غنی سازی یورانیوم را مطرح کرد. ما این امکان را نیز میپذیریم که چنین مراکز نه تنها در روسیه بلکه همچنان در کشورهای دیگر ایجاد شوند؛ در کشورهایی که بنیاد مشروع برای استفاده از انرژی هسته‌ی برای اهداف ملکی وجود دارد. کشورهایی که خواهان انکشاف انرژی هسته‌ی میباشند، میتوانند با سهمگیری مستقیم خود در کار این مراکز، به طور تضمین شده - و معلومدار تحت کنترل جدی آژانس بین المللی انرژی اتمی - مواد سوخت برای دستگاههای تولید انرژی اتمی خود به دست آرند.

تازه ترین ابتکارات که از جانب رئیس جمهور امریکا، جورج دبلیو بوش مطرح شده اند، همنوا با پیشنهادهای روسیه هستند. به نظر من روسیه و ایالات متحده به طور عینی و در عین سطح خواهان تحکیم سختگیرانه رژیم عدم انتشار سلاحهای امحای جمعی و وسایل انتقال آنها هستند. همانا کشورهای ما (ایالات متحده امریکا و روسیه) که از لحاظ ظرفیتهای هسته‌ی و راکتی در مواضع شامخ و پیشرفته قرار دارند، باید به مثابه لیدرها در عرصه انکشاف تدابیر جدید سختگیرانه عمل کنند. روسیه برای این کار آماده است. ما مصروف مشوره‌ها با دوستان امریکایی مان هستیم.

در مجموع، سخن باید بر سر ایجاد سیستم مکملی از اهرم‌های سیاسی و انگیزه‌های اقتصادی باشد، انگیزه‌هایی که با موجودیت آنها کشورها به این علاقمند باشند که خودشان ظرفیتهای تولیدی مواد سوخت اتمی را ایجاد نکنند، اما این امکان را داشته باشند که انرژی هسته‌ی را انکشاف بدهند و ظرفیتهای انرژی خود را بالا ببرند.

## همکاری و همیاری

در این رابطه می‌خواهم اندکی به تفصیل راجع به همکاری بین المللی در عرصه انرژی اتمی حرف بزنم. خانم چانسلر آلمان فدرال مختصراً در این باره حرف زد، تذکری داد و به موضوع تماس گرفت. روسیه در عرصه انرژی خواهان ایجاد شرایط واحد و شفاف بازار، برای همه است. واضح است که نرخ انرژی باید توسط مارکیت (بازار) تعیین شود، نه اینکه موضوع حقه بازیهای سیاسی، فشار یا شانتاژ (کلاهبرداری) اقتصادی باشد.

ما آماده همکاری هستیم. کمپنی‌های خارجی در بزرگترین پروژه‌های انرژی اتمی ما سهم هستند. مطابق به تخمین‌های مختلف، تا ۲۶ فیصد استخراج نفت روسیه - و لطفاً درباره این رقم فکر کنید - تا ۲۶ فیصد استخراج نفت روسیه، توسط سرمایه‌های خارجی صورت میگیرد. کوشش کنید - تکرار

میکنم - کوشش کنید مثال مشابهی را بیابید که روسیه به طور مشابه در سکتورهای کلیدی اقتصادی کشورهای غربی سهمگیری داشته باشد. چنین مثالهایی وجود ندارد! چنین مثالهایی وجود ندارد!

همچنان میخواهم از تناسب میان سرمایه گذاریهای خارجی در روسیه و سرمایه گذاریهای روسیه در دیگر کشورهای جهان یادآوری کنم. این تناسب در حدود پانزده مقابل یک است. این است یک نمونه واضح در مورد بازبودن و باثبات بودن اقتصاد روسیه.

امنیت اقتصادی عرصه بیست که در آن همه باید اصول واحدی را رعایت کنند. ما آماده رقابت صادقانه و عادلانه هستیم.

برای این منظور امکانات بیشتر و بیشتر در اقتصاد روسیه به ظهور میرسند. کارشناسان و پارتنرهای غربی ما به طور عینی این دگرگونیها را ارزیابی میکنند. طور مثال ریتینگ کردتی روسیه در سازمان همکاری اقتصادی و انکشاف (OECD) بهبود یافته یعنی از گروه چهارم ریسک، وارد گروه سوم شده است. و امروز در مونشن میخواهم با استفاده از این فرصت، از همتهای آلمانی خود به خاطر کمک شان در تصمیم بالا سپاسگذاری کنم.

مزید بر آن طوریکه میدانید، پروسه پیوستن روسیه به سازمان جهانی تجارت به مراحل نهایی رسیده است. میخواهم یادآوری کنم که در جریان مذاکرات طولانی و دشوار، ما بارها حرفهایی درباره آزادی بیان، آزادی تجارت و درباره امکانات مساوی شنیدیم، اما جای تعجب است که این حرفها تنها و تنها در رابطه با بازار روسیه گفته میشدند.

و یک موضوع مهم دیگر که امنیت جهانی را مستقیماً متأثر میسازد. امروزه زیاد راجع به مبارزه با فقر حرف زده میشود. در این عرصه واقعاً چه رخ میدهد؟ از یکسو منابع پولی برای برنامه ها به منظور کمک به نادارترین کشورهای جهان تخصیص داده میشود - و یگان بار منابع قابل ملاحظه مالی تخصیص داده میشود. اما باید صادق باشیم - و بسیاری این را میدانند - که غالباً ارایه این کمک ها وابسته به این میشود که کشور کمک گیرنده با پولهایی که به عنوان کمک دریافت میکند، باید پروژه هایی را تمویل کند که توسط شرکتهای همان کشور های کمک دهنده اعمار میشوند و به راه انداخته میشوند (تبصره مترجم: کمک پولی که از طرف طور مثال بریتانیا ارایه میشود، باید در پروژه هایی مصرف شود که توسط کمپنی های بریتانیایی اعمار میشوند). و از سوی دیگر کشورهای پیشرفته سببیدی های زراعتی خود را حفظ میکنند و دسترسی دیگر کشورها به تکنالوژی های پیشرفته را محدود میسازند.

و بیاید اشیا را به نام خود شان یاد کنیم - نتیجه چنین است: با یک دست «کمک خیراتی» توزیع میشود و با دست دیگر نه تنها عقب مانده گی اقتصادی حفظ میگردد، بلکه علاوه بر آن، مفاد به جیب زده میشود. تشنج روزافزون اجتماعی که در چنین مناطق عقب مانده ایجاد میگردد، به طور اجتناب ناپذیر منجر به رشد رادیکالیزم و اکسترمیزم میشود و همچنان تروریسم و منازعات محلی را تغذیه میکند. و اگر همه اینها در یک منطقه، طور مثال، در شرق میانه رخ دهد، در جایی که این احساس وجود دارد که جهان خارج، در مجموع یک جهان غیرعادلانه است، در این صورت خطر بی ثبات سازی جهانی پدید می آید.

واضح است که کشورهای پیشرو جهان باید این خطر را ببینند و مطابق به آن باید سیستم دموکراتیک تر و عادلانه تر مناسبات اقتصادی را ایجاد کنند - سیستمی که به همه گی شانس و امکانات انکشاف بدهد.

### مداخله

خانهم ها و آقایون محترم!

حین سخن رانی در کنفرانس امنیت، غیر ممکن است اگر درباره فعالیت سازمان امنیت و همکاری در اروپا (OSCE) سکوت شود. طوریکه به همه گان آشکار است، این سازمان برای این هدف ایجاد شد تا همه - باید این را تاکید کنم - تا همه عرصه ها و جوانب امنیت (جوانب نظامی-سیاسی، اقتصادی، بشردوستانه) و به ویژه روابط همه جانبه میان تمام این عرصه ها را بررسی کند.

امروز در عمل چه رخ میدهد؟ می بینیم که این توازن واضحاً برهم خورده است. میکوشند این سازمان را به یک آله مبتذل برای تقویه منافع سیاست خارجی یکی از کشورها و یا گروهی از کشورها و به زیان دیگر کشورها مبدل کنند. و برای این کار دستگاه بیروکراتیک سازمان امنیت و همکاری در اروپا (OSCE) را چنان «خیاطی» کرده اند که به هیچ وجه با کشورهای ایجادکننده این سازمان پیوند و رابطه ندارد. همچنان برای اجرای این وظیفه پروسیجرهای تصمیمگیری و استفاده از سازمانهای به اصطلاح غیرحکومتی را «خیاطی» کردند. این سازمانها از لحاظ رسمی مستقل هستند، بلی مستقل، اما آنها به طور هدفمند تمویل میشوند، به این معنی که کنترل میشوند.

سازمان امنیت و همکاری در اروپا (OSCE) مطابق به اسناد اساسگذار، وظیفه دارد به کشورهای عضو، مطابق به درخواست شان در عرصه رعایت موازین حقوق بشر کمک کند. این یک کار مهم

است. ما از این پشتیبانی میکنیم. ولی این به هیچ وجه به معنی مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر نیست و به ویژه به مفهوم تحمیل کردن بر این کشورها نیست که چطور زنده گی کنند و چطور انکشاف نمایند.

واضح است که چنین مداخله به هیچ وجه منجر به، به وجود آمدن دولتهای واقعاً دموکراتیک نمیشود. برعکس این کار، آنها را وابسته ساخته و در نتیجه از لحاظ سیاسی و اقتصادی بی ثبات میسازد.

ما توقع داریم که سازمان امنیت و همکاری در اروپا (OSCE) از اهداف و وظایف اولی و اصلی خود پیروی نموده و با کشورهای مستقل، بر مبنای احترام، اعتماد و شفافیت روابط برقرار کند.

در خاتمه میخواهم این موضوع را تذکر دهم. ما غالباً میشنویم - شخصاً من، بسیار غالباً میشنوم - از جانب پارتنرهای مان به شمول پارتنرهای اروپایی مان این فراخوان را میشنوم که روسیه باید نقش فعال تری را در مسایل جهانی بازی کند.

در این رابطه من به خود اجازه میدهم یک تبصرهء کوچک بکنم. هیچ ضرور نیست که ما را به این کار تشویق و ترغیب کنند. روسیه کشوری است دارای تاریخ بیشتر از یک هزار سال و همیشه این امتیاز را دارا بوده که سیاست خارجی مستقل داشته باشد.

امروز نیز، ما نمیخواهیم این عنعنه را تغییر دهیم. در عین زمان ما درست آگاهی داریم که جهان چطور تغییر یافته و ما احساس واقعبینانه دربارهء امکانات و ظرفیتهای خود داریم. و معلومدار ما میخواهیم با پارتنرهای مسؤول و مستقل وارد مناسبات شویم، تا بتوانیم به صورت مشترک کار کنیم و نظم جهانی عادلانه و دموکراتیک را ایجاد کنیم؛ نظمی که امنیت و رفاه را نه برای یک گروه «برگزیده»، بلکه برای همه تضمین کند.

از توجه تان تشکر.

ترجمه به فارسی دری: **داکتر محمد سالم سپارتک**

در ترجمهء سخنرانی به زبان دری، از متون روسی، انگلیسی و آلمانی آن استفاده شده است.

<http://www.taraqi.eu>